



## گوینده نیستم؛ بازیگر گفتگو با نازنین مهیمنی / بازیگر

مریم قاسمی

متولد آذر ماه 1356 و کارشناس ادبیات نمایشی است. همزمان با شروع برنامه «جمعه ایرانی» وارد این گروه شد و آنقدر به کارش علاقه دارد که جدایی از کار را برابر با مرگ می داند. نازنین مهیمنی در بسیاری از نمایشهای رادیویی ایفای نقش کرده از جمله نمایش های «رقصنده در باد»، «شب ساحره»، «افول»، «آپارتمان پلاک 13» و... او تاکید دارد که گوینده نیست و بازیگر است. این گفتگو در تالار حرکت، در یک روز گرم خرداد، هنگام ضبط برنامه «جمعه ایرانی» انجام شد.

### چطور به رادیو راه پیدا کردی؟

من از بچگی به رادیو علاقه مند بودم و این علاقه ریشه دار بود، بطوریکه شب ها رادیو کنار گوشم بود. به همین خاطر مادرم می گفت تو مثل پیرمردها هستی. یک روز در دوران دبیرستان توی حیاط مدرسه دختر خانمی که نمی شناختمش با دوستش صحبت می کرد و گفت می خواهد تست صدا بدهد، من هم کنجکاو شدم و پرسیدم کجا؟ گفت: در ساختمان رادیو آقایی به اسم حمزه تست می گیرد. شماره خواستم، گفت شماره ایشان را ندارد و باید خودم با رادیو تماس بگیرم تا آفیش بشوم. من هم پیگیری کردم، بالاخره آقای مجید حمزه را پیدا کردم، ایشان هم از افراد زیادی تست می گرفت.

هر کدام هم متنی را آماده کرده بودند. من هم سریع روی کاغذی شروع کردم چند تا متن نوشتم. آقای حمزه گفت: خنده دار اجرا کن، اجرا کردم، بعدگفت: حالا گریه دار اجرا کن، اجرا کردم و همینطور حالت های مختلف. با خودم فکر می کردم پارتی بازی است. در آخر تست ها، آقای حمزه گفت: اسامی که می خوانم بیایند برای تست نهایی و اسم من را هم در آخر خواند و پس از آن یک دوره در کلاس های آقای میکائیل شهرستانی شرکت کردم و نفر برتر شدم، سپس کارم را با اداره کل نمایش رادیو شروع و تا به امروز ادامه دادم.

از چه زمانی وارد گروه جمعه ایرانی شدی؟  
از ابتدای شکل گیری گروه با آنها همکاری دارم.

## چطور با گروه هماهنگ شدي؟

خوشبختانه چون گروه ما حرفه اي بود، من خيلي زود توانستم با گروه هماهنگ شوم. بچه هاي گروه بسيار پر انرژي هستند و به همدیگر کمک مي کنند .

## زمانیکه برنامه صبح جمعه با شما پخش مي شد، شنونده اش بودي؟

بله، همیشه گوش مي کردم و چندین بار هم سر برنامه شان رفتم اما هیچ وقت در ذهنم نمي گنجید که ميتوان وارد اين کار شد.

## در گروه جمعه ايراني چند تيب اجرا مي کنی؟

یک روز نشستم و روي کاغذ تمام تيب ها را نوشتم. حدود 50 تيب شد. پسر بچه، دختر بچه، پير زن. تمام شخصيت ها را معمولاً خودم خلق مي کنم و فکر مي کنم مثلاً اين شخصيت با چه لحنی باشد بهتر است و مثلاً براي شخصيت «عالیه خانم» فکر مي کنم اين صدا بهتر است و بعد با آقای توکل مشورت مي کنم.

## اين تيب ها چطور متولد مي شوند؟

اکثراً خودم آنها خلق مي کنم. مثلاً در خيابان هستم صدایي را مي شنوم و از روي آن صدا لحن شخصيت را خلق مي کنم. به نوعي الگو برداري ام را از مردم و چیزهايي که مي شنوم، تقويت مي کنم و در خلق شخصيت ها استفاده مي کنم .

## کدام یک از تيب ها را بیشتر دوست داري؟

نمي توان تکيک قائل شد. اکثرشان را دوست دارم، مخصوصاً «ثريا»، «ملوک خانم» که یک پيرزن غرغروست و «جميله» زن ناصر خنگه!

## بازیگر مقابلت چه اندازه در بازي ات تاثير گذار است؟ بیشتر با کدامیک راحتتر هستي؟

تاثير خيلي زيادي دارد، کار ما تمام بده بستان است و حس بايد منتقل شود. با آقای اماميه، خانم جهانبان، خانم حجت، و آقای مدرس و البته کلا همه بچه ها همکاري خوب و راحتی داريم.

## «تیب» با «شخصیت» در نمایش چه تفاوتی دارد؟

در نمایش، تيب و شخصيت، هر دو نیازمند خلاقیت و پردازش نقش هستند. در نمایش هاي راديويي کمتر از «تیب» استفاده مي شود. اما «شخصيت» بايد شنونده را به سمت و سويي ببرد. مثلاً در برنامه جمعه ايراني، نقش پير زن تا بچه بايد همراه فکر باشد و شنونده براي خودش تصوير سازي کند و يا حتي تيب مورچه داراي پيام باشد. در کار طنز بیشتر ما تيب سازي مي کنيم.

## مي توانيم اينطور استنباط کنیم که تيب ها تخيلي هستند و شخصيت ها واقعي اند و نیازمند کنکاش بیشتر هستند؟

نه، اينطور نميتوان گفت. چون تيب و شخصيت بايد قابل فهم باشد. اگر قرار است نقش انساني را بازي کني بايد بتواني کامل آن را ايفا کني و تيب را بايد طوري بازي کني که قابل فهم و درک باشد .

## در راديو غير از کار نمایش، فعالیت دیگری هم داري؟

خير. مدتي در راديو تهران مجري- بازيگر بودم. هیچ وقت به گويندگي علاقه نداشتم و همیشه گفتم که من گوینده نيستم، بازيگرم و از صدايم براي کار نمایش استفاده مي کنم. البته در انيميشن هاي برنامه «شهر من» به عنوان صدا پيشه، صداي زن ها و بچه ها را مي گفتم و صدا پيشه مردها آقای مدرس بود که هنوز هم اين همکاري ادامه دارد.

## چقدر در جمعه ايراني آزادي عمل داري و چقدر تابع متن هستي؟

من کاملاً تابع متن هستم و قبل از کار حتماً با آقای توکل مشورت مي کنم بخصوص در نوع بيان و تيب ها، ولي شخصاً در متن دخل و تصرفي نمي کنم مگر اينکه کلمه اي در دهانم نچرخد، در آنصورت بطوریکه اصل مفهوم گم نشود آن را تغيير

می دهم.

### چقدر خلاقیت به خرج می دهی؟

کار نمایش بدون خلاقیت امکان پذیر نیست. من هم به فراخور متن و نمایش و نیاز، از خلاقیت استفاده می کنم.

### در گروه جمعه ایرانی چقدر از خطوط قرمز تبعیت می کنی؟

من به عنوان بازیگر دخل و تصرفی در این مساله ندارم. گروه نویسندگان زیر نظر آقای توکل عمل می کنند و سعی بر این است که نمایش ها تأثیر گذار باشد.

### تجربه بازی در صحنه هم داشتی؟

بله 3 سال پیش نمایشی به نویسندگی خانم آهو خردمند و کارگردانی آقای جواد پیشگر که در تئاتر شهر اجرا شد، بازی کردم.

**شما که تجربه بازی در صحنه و همچنین نمایش رادیویی داری، دوست داری به از نظر چهره هم مشهور شوی و کار تصویر هم انجام بدهی؟**

بیشتر از آنکه خود چهره شدن برایم مهم باشد، گروه مهم تر است. اخلاق کاری، متن و کار اهمیت دارد و دوست ندارم فقط از جلوی دوربین رد بشوم و نقش منفعل داشته باشم. حتی اگر قرار باشد یک سکانس حضور داشته باشم، ترجیح می دهم سکانسی باشد که جای کار داشته باشد و فکر پشت آن باشد.

### تا حالا شده در کار دچار بی انگیزگی شوی؟

بله، گاهی وقتها که از برخی مسئولین انتظاراتی داشته ام و انجام نشده، باعث شد دچار بی انگیزگی شوم. درست است که من برای دل خودم کار می کنم اما گاهی بعضی قضاوت ها و بعضی تبعیض گذاشتن ها آدم را بی انگیزه می کند. وقتی تلاش کردی حتی بیش تر از اندازه اما بجای من، او دیده می شود، بسیار ناراحت کننده است. البته بعد با خودم حلای می کنم که همه جا همینطور است و این باعث می شود که دوباره تلاش کنم.

### تا به امروز موفق عمل کردی؟

تا آنجا که در توانم بوده تلاشم را کردم و رضایت نسبی از خودم دارم و هنوز فکر می کنم پله اول هستم و خیلی راه هست که باید ادامه بدم و بازیگری تمام شدنی نیست و به تعداد آدم های روی زمین نقش وجود دارد.

**چرا هیچ برنامه تلویزیونی صبحگاهی بخصوص در صبح های جمعه، نتوانسته از نظر محبوبیت و حجم مخاطب با رادیو برابری کند؟**

در تلویزیون بیشتر به کمیت می پردازند تا کیفیت بطوریکه اگر شما دقت کنید، متأسفانه سریال های خارجی مخاطب بیشتری دارند تا کارهای داخلی. اما به نظر من رادیو همیشه شنونده دارد. رادیو اصیل است، از قدیم صبح های جمعه برنامه «شما و رادیو» «به دنبال خلق فضای شاد بوده تا برای دقایقی لبخند را مهمان خانه ها کند، از سوی دیگر در برنامه های رادیویی طیف کلی از مخاطب را در نظر می گیرند. از راننده تاکسی گرفته تا پرفسور و از بچه گرفته تا پیرزن و به همین دلیل بیشتر مردم آن را دوست دارند.

### حرفه ات را به دیگران هم پیشنهاد می کنی؟

بله، چرا که نه؟ من اصلاً آدم بخیلی نیستم و هر کس که بیاورد سریع او را راهنمایی می کنم و با او ارتباط برقرار می کنم حتی در واحد نمایش اگر بازیگر جدیدی وارد بشود، او را با فضای کار آشنا می کنم تا دچار استرس نشود. هر کسی که استعداد و توانایی دارد می تواند وارد این کار بشود حتی آقای توکل هم راهنمایش می کند.

### چقدر کارت را دوست داری؟

خیلی زیاد، اصلاً نمی توانم به این مساله فکر کنم که روزی در این کار نباشم و اگر روزی این اتفاق بیفتد من را باید در بهشت زهرا و یا دارالمجانین پیدا کنید چون با روح عجین شده است.